



لایحه اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم



عنوان گزارش: لایحه اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم
کمیسیون: کشاورزی و صنایع وابسته
انتشار: امور کمیسیون های تخصصی اتاق ایران
شماره گزارش: ۱۹۱۴۵۹
پاییز ۱۴۰۱

نکات مربوط به طرح مالیات بر عایدی سرمایه:

- ۱- درج مواد ناظر به اصلاح قانون پایانه های فروشگاههای در قانونی که قرار است به عنوان قانون مالیات بر عایدی سرمایه مصوب گردد، واجد اشکال اساسی و منجر به پیچیده تر شدن قوانین مالیاتی می شود.
- ۲- پیوند زدن قانون مالیات بر عایدی سرمایه که عمدتاً مربوط به خرید و فروش دارائی ها است با موضوع صدور صورتحساب الکترونیکی که اساساً مربوط به خرید و فروش کالا و خدمات است منجر به پیچیدگی قانون، سخت شدن فضای کسب و کار و عدم امکان اجرای مطلوب قانون می گردد. اصولاً ترکیب اجرای قانون CGT با قانون پایانه های فروشگاههای و سامانه مؤدیان و صورتحساب الکترونیکی به ویژه در شرایطی که در موفقیت اجرای قانون پایانه ها هنوز تردیدهای بسیاری وجود دارد به نظر تصمیم منطقی و معقولانه ای نیست.
- ۳- در تمامی کشورها، مالیات عایدی بر سرمایه را در طبقه بندی مالیات بر درآمد می شناسند و نه مالیات بر دارایی. این در حالی است که طبق متن پیشنهادی، عایدی سرمایه در باب دوم تعریف شده که مالیات بر دارایی می باشد.
- ۴- وضع مالیات بر عایدی سرمایه ناشی از سهام یکی از معقول ترین دارایی های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه در جهان است و به ویژه می تواند با مالیات ستانی از سفته بازی و خرید و فروش کوتاه مدت سهام، منجر به کارایی بیشتر بازار سرمایه شود؛ موضوعی که در متن پیشنهادی از آن صرف نظر شده است.
- ۵- در بندهای (الف) و (ب) ماده (۵)، پیشنهاد می شود شرط تملک دو ساله برای هر شخص حذف شود (معافیت یک ملک مسکونی و وسیله نقلیه شخصی برای هر شخص بالای ۱۸ سال)، و از طرف دیگر معافیت مربوط به همسر و فرزندان (تبصره ۱) بند (الف)، حذف و یا حداقل تعدیل گردد (معافیت در نظر گرفته شده به قدری گسترده است که اثربخشی این قانون را عملاً از بین می برد).
- ۶- با عنایت به جدید بودن مالیات بر عایدی سرمایه و چالش های اجرایی احتمالی و همچنین با توجه به تجارب اغلب کشورها و موارد مربوط به حقوق مودیان و در نهایت مشکلات تعیین ارزش روز دارایی ها در تاریخ لازم الاجرا شدن قانون (موضوع ماده ۶)، بهتر است دارایی های خریداری شده قبل از این قانون مشمول مالیات نشوند. در صورت باقی ماندن شرایط پیشنهادی، مهلت ۶ ماهه پیش بینی شده برای دارایی های بند (۴) ماده (۴) بسیار محدود است.
- ۷- تبصره جزء (۳) بند (ج)، بسیار چالش آفرین است و بهتر است اراضی با کاربری کشاورزی معاف شوند.
- ۸- در ماده (۷) در بحث نرخ گذاری توجه شود که نرخ مالیات بر عایدی سرمایه به صورت استاندارد در اغلب کشورها بدین صورت می باشد که برای دوره تملک کمتر از یکسال نرخ مالیات بر درآمد اعمال می گردد و برای بیش از یکسال متناسب با دوره نگهداری نرخها کاهش خواهد بود. این در حالی است که در ماده ۷ این استاندارد رعایت نگردیده است.
- ۹- پیشنهاد می شود ماده (۱۲۴) با توجه به مفاد قانون مالیاتهای مستقیم و مسایل اجرایی (به ویژه در مورد بند (ج))، حذف شود.

به طور کلی افراد درآمد خود را از طریق درآمد حاصل از کار یا درآمد حاصل از سرمایه به دست می آورند.

درآمد حاصل از سرمایه به دو نوع درآمد تقسیم می شود:

۱) درآمد جاری (سود) سرمایه

۲) عایدی سرمایه

درآمد جاری سرمایه؛ سود ناشی از سرمایه است که طی دوره تملک دارایی یا سرمایه گذاری متناسب با بازدهی سرمایه یا به صورت درصد ثابت کسب می شود.

عایدی سرمایه؛ درآمدی است که از مابه التفاوت قیمت فروش و خرید یک دارایی هنگام فروش آن به دست می آید. در تبیین موضوع می توان گفت؛ مثلاً سود توزیعی سهام و درآمد حاصل از اجاره یک واحد آپارتمان از جمله درآمدهای جاری سرمایه است که از سرمایه گذاری در بازار سرمایه و املاک طی دوره تملک بر اساس میزان بازدهی یا قرارداد اولیه به دست می آید. حال اگر این دارایی ها به فروش برسد، سود به دست آمده از آنها که برابر تفاوت قیمت فروش و خرید دارایی است، بعنوان عایدی یا زیان سرمایه این دارایی ها تلقی می شود.

مالیات بر عایدی سرمایه (CGT)؛ مالیاتی است که بر عایدی حاصل از نقل و انتقال (خرید و فروش) دارایی های سرمایه ای شامل انواع دارایی منقول یا غیر منقول، مشهود یا نامشهود وضع می شود. مالیات بر عایدی سرمایه دلیلی بر مهار کردن سوداگری است، به طوری که تأخیر در اجرای آن باعث رشد نجومی قیمت ها خواهد شد.

از جمله کارکردهای این پایه مالیاتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کنترل سوداگری؛ افزایش هزینه فعالیتهای غیر مولد همچون سفته بازی و سوداگری در بازار املاک، ارز، سکه، خودرو، سهام و به نحوی که به طور مؤثر مزیت خود را از دست بدهند. به عبارتی با وضع این مالیات انگیزه سوداگران برای مبادرت به خرید و فروش دارایی ها کاهش می یابد و این بازارها تبدیل به بستری آرام برای تقاضای واقعی خانوارها خواهد شد.

۲- ارتقای عدالت در جامعه؛ از جمله نکات قابل توجه درباره وضع مالیات بر عایدی سرمایه بهبود عدالت افقی و عمودی است. در واقع وضع مالیات بر عایدی سرمایه به رعایت عدالت بین کسانی که درآمد حاصل از نیروی کار کسب می کنند و کسانی که عایدی سرمایه دارند کمک می کند.

۳- ترغیب بنگاه ها به تأمین مالی داخلی؛ مالیات بر عایدی سرمایه در خصوص دارایی سهام، می تواند تصمیمات بنگاه های اقتصادی خصوصاً در مورد توزیع سود و تأمین مالی را تحت تأثیر قرار دهد. اگر نرخ مالیات بر عایدی سرمایه نسبت به نرخ سود تقسیمی سهام پایین تر باشد، شرکتها انگیزه کمتری برای توزیع سود خواهند داشت و به جای آن اقدام به بازخرید سهام خود از بازار می کنند. مالیات بر عایدی سرمایه با تغییر دادن هزینه نسبی منابع مختلف تأمین مالی شرکتها (از قبیل بدهی یا انتشار سهام جدید) منجر به تغییر رفتار بنگاه ها می گردد به نحوی که بنگاه ها به تأمین مالی داخلی ترغیب می شوند.

۴- ارتقای کارایی نظام اقتصادی کشور (با توجه به اثر قفل شدگی)؛ یکی از کارکردهای مالیات بر عایدی سرمایه، ارتقای کارایی در اقتصاد کشور است. زیرا موجب می شود سرمایه ها به سمت تولید واقعی سوق پیدا کند. البته باید در طراحی این پایه مالیاتی توجه داشت که اثر قفل شدگی و انحراف کارایی اتفاق نیفتد. اثر قفل شدگی به این معناست که سرمایه گذاران، برای به تعویق انداختن، کاهش یا معافیت مالیات، دارایی هایشان را بیش از حد بهینه نزد خود نگه می دارند و نمی فروشند و این عمل، فرآیند تخصیص و توزیع کارا و بهینه دارایی ها را به خطر می اندازد.

۵- تأمین درآمدهای دولت

۶- پیشگیری از فرار مالیاتی توسط برخی افراد طراحی پارامترهای مالیات بر عایدی سرمایه در ایران (با توجه به شرایط اقتصادی کشور و ملاحظات تورمی آن) نیازمند توجه به ملاحظات مختلفی است که مهم ترین آنها عبارت است از:

۷- درآمد مشمول مالیات؛ چون عایدی سرمایه برابر است با تفاوت قیمت فروش و قیمت خرید، این تفاوت می‌تواند مثبت یا منفی باشد. عموماً درآمد مشمول مالیات همان عایدی سرمایه است که کشورهای مختلف سه نوع رفتار نسبت به آن دارند؛ عدم شمول، شمول جزئی و شمول کامل.

۸- دوره نگهداری؛ اکثر کشورها معیاری را تحت عنوان مدت نگهداری در نظر می‌گیرند که در صورت نگهداری بیش از مدت تعیین شده، میزان مالیات بر عایدی سرمایه از طریق نرخ یا میزان شمولیت کاهش می‌یابد یا به طور کلی دارای مشمول مالیات نمی‌شود. به طور کلی دلیل به کارگیری این سیاست، حمایت از سرمایه‌گذاری به صورت بلند مدت است.

۹- تعدیل عایدی سرمایه نسبت به تورم؛ برخی بر این باورند که عایدی حقیقی باید مشمول مالیات قرار گیرد و برخی معتقدند که باید عایدی اسمی مشمول مالیات باشد به طور کلی دسته اول بر این موضوع تأکید دارند که چون صرفاً عایدی اسمی دارای متناسب با تورم افزایش یافته و تغییری در قدرت خرید او ایجاد نشده است، نباید عایدی اسمی مبنای اخذ مالیات باشد. از طرف دیگر دسته دوم تعدیل عایدی نسبت به تورم را باعث خدشه در عدالت مالیاتی می‌دانند چرا که بر خلاف طبقات پایین درآمدی که سهم عمده درآمدهای آنها حاصل از کار است، بخش بزرگی از درآمدهای طبقات بالای درآمدی را درآمد سرمایه تشکیل می‌دهد، در نتیجه تعدیل عایدی نسبت به تورم بیشتر طبقات بالای درآمدی را منتفع می‌سازد و عدالت افقی و عمودی در نظام مالیاتی را خدشه دار می‌کند.

۱۰- نرخ مالیات؛ تعیین نرخ مالیات بر عایدی سرمایه، تحت الگوی مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی یا مالیات بر عایدی سرمایه به صورت جداگانه، می‌تواند تأثیر مهمی بر برنامه و رفتارهای مالیاتی افراد داشته باشد. مثلاً تنظیم نرخ مالیات بر عایدی ۱۱- سرمایه بالاتر یا کمتر از نرخ مالیات بر بهره بانکی یا سود توزیعی سهام می‌تواند نقش مؤثری بر تصمیمات سرمایه‌گذاری افراد داشته باشد.

۱۲- مسئله زیان؛ یکی از مهمترین مسائل در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه توجه به مسئله زیان سرمایه است که کشورهای مختلف، رفتار مالیاتی متفاوتی نسبت به آن اتخاذ کرده‌اند و معمولاً آن را از عایدی سرمایه یا سایر درآمدها کسر می‌کنند.

۱۳- به تعویق انداختن بدهی مالیاتی؛ یکی از موضوعات مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه، در نظر گرفتن قواعدی برای به تعویق انداختن پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه در موارد خاص است. این قواعد جهت اهداف مختلفی ایجاد می‌شود که از جمله آنها می‌توان به کمک به مدیریت جریان نقدینگی کسب و کارها، از بین بردن موانع برای رشد مشاغل موفق و جلوگیری از تخلیه سرمایه تجاری (سرمایه در گردش) از اقتصاد اشاره کرد که همگی این اهداف موجب کارایی بیشتر در نظام اقتصادی می‌شوند.

۱۴- نحوه شمول واحدهای مسکونی شخصی؛ یکی دیگر از ملاحظات مهم در مورد مالیات بر عایدی سرمایه، رفتار مالیاتی با سکونت‌گاه افراد است. تعدادی از کشورها به کلی واحدهای مسکونی را به شرط آنکه آن واحد یک دارای شغلی نباشد یا مرتبط با اهداف شغلی مورد استفاده قرار نگیرد، معاف از مالیات قرار داده‌اند.

۱۵- همکاری مستمر در تبادل اطلاعات بین دستگاههای صاحب اطلاعات و ضمانت اجرا مناسب و تأثیرگذار در این خصوص اطلاع‌رسانی، فرهنگ سازی و آموزش لازم در جهت انجام بموقع و دقیق تکالیف قانونی